

ابن سینا راه را برای فارسی‌نگاری حکیمان دیگر هموار کرد

دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده - سی و هفتمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره بوعلی سینا

چهارشنبه ۱۴۰۰/۹/۱۰

سی و هفتمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره بوعلی سینا با همکاری مرکز فرهنگی شهر کتاب و بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا در روز چهارشنبه ۱۰ آذر برگزار شد. این نشست به سخنرانی دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده، با موضوع «روایت‌هایی از فارسی‌نویسی ابن سینا» اختصاص داشت. این درس‌گفتار به صورت مجازی از اینستاگرام شهر کتاب پخش شد.

در دوره‌ای که با وجود گسترش شعر فارسی همچنان عادت نوشتن کتاب‌های علمی به زبان عربی از سوی دانشمندان ایرانی از رونق نیفتاده‌است و می‌توانند به این شیوه مباحث کنند، ابن سینا حکیم نامدار ایرانی که تخصص و مهارت خود را در تازی‌نویسی به اثبات رسانده‌است، به دلایلی از جمله دفاع از صبغه و سابقه فرهنگ ایرانی و انتقال فارسی دری خراسانی به سپاهان و نواحی مرکزی ایران و نیز خالی نماندن میدان چالش‌های فرهنگی و زبانی به نفع یونان و اعراب و تشخیص دادن به آثاری که زیر نام دولت ایرانی و شیعی آل‌بویه شکل می‌گیرد، بخشی از آثار خود را به فارسی می‌نگارد.

هم شیوه نگارش خاص (سبک) ابن سینا و هم ترکیب‌سازی و واژه‌آفرینی‌های او را می‌توان نمودهای توفیق این حکیم فرزانه در پاسداشت و گسترش زبان فارسی دانست که راه را برای فارسی‌نگاری حکیمان دیگر چون سهروردی هموار کرده است.

آنچه در پی می‌آید سخنان دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده در این نشست است که توسط آناهید خزیر تنظیم شده است.

ابن سینا شخصیتی جامع و مانع دارد، وی شخصیتی فراگیر، فرازمانی، فرامکانی و چند بعدی است. آنچه که امروز بعد از یک هزاره پر فراز و نشیب از او برای ما به یادگار مانده است و آنچه از این حکیم بزرگ در عرصه دانش و گستره فرهنگ و خرد ایرانی و اسلامی به جای مانده موید این است که ابن سینا چه شان و جایگاهی دارد و از سوی دیگر گویای حُسن تدبیر و کارآمدی و به هنگام بودن کوشش‌های ابن سینا در مقطعی خاص است. شخصیتی مانند ابن سینا که در آن مقطع کسانی مثل ابوریحان بیرونی و بلعمی و طبری در آن جغرافیای فرهنگی و اجتماعی ایران و خراسان بزرگ حضور دارند قاعدتاً از شخصیت‌هایی بودند که به تنوع و کارکرد معروف بودند و کوشش می‌کردند که در زمینه‌های مختلف کار کنند و خودشان این لیاقت و زیرساخت و زمینه مساعد را برای ورود به مباحث گوناگونی داشته‌اند که ابن سینا در این بحث گل سرسید مباحثی است که به آن‌ها پرداخته است.

فارسی‌نویسی‌های ابن سینا در برابر آثار عربی

فارسی‌نویسی‌های ابن سینا در برابر آثار عربی او به زبان عربی ممکن است توازن و تعادلی از نظر کمی نداشته باشد اما راست این است که کیفیت کار خیلی مهم است. چپستی روایت می‌شود، نگرش و گزارش خاصی که زبان و بیان

صاحب اثر در حوزه شعر بیشتر خودش را نشان می‌دهد و تفاوتی که حکمای مشاء، اشراق، ملاصدرا و دیگران دارند روایت‌های خاص از مسایل حکمی و کلامی و فلسفی و نگاه به خرد است. چگونگی روایت نیز بسیار مهم است.

ابن‌سینا، ابوریحان و ناصر خسرو نویسندگان و مولفان و پدیدآورندگانی هستند که مخاطب آن‌ها هم از همان سلطان محمود غزنوی و علاءالدوله تا روزگار ما وجود دارد اما مساله‌ای که روایت را جالب توجه می‌کند تا بیشتر به بحث روایت بپردازیم در کتاب‌های درباره روایت خوب به آن پرداخته شده و منابع فرنگی بیشتر این مساله را در سینما و تئاتر توجه می‌کنند که پشت صحنه فکری این فیلم و سریال چه اتفاقات نهفته‌ای دارد. در ادبیات و فرهنگ ما هم همین مساله است فرنگی‌ها در کنار نویسنده آشکار به نویسنده پنهان توجه دارند و در کنار خواننده آشکار به خواننده پنهان توجه دارند. نویسنده آشکار می‌شود ابن‌سینا و متن دانشنامه علایی است و کسی جز او ننوشته است اما چه کسی جوهره فکری ابن‌سینا را تحریک کرده است؛ این می‌شود نویسندگان پنهانی که گاهی می‌تواند زیرساخت‌های جامعه و یا اتفاق‌هایی باشد.

نویسنده پنهان کسی است که باعث می‌شود ابوریحان، غزالی، ابن‌سینا، ناصر خسرو فارسی بنویسند. خواننده آشکار هم ما هستیم که در این هزار سال این آثار را می‌خوانیم. خواننده پنهان نیز به «در گفتن و دیوار شنیدن» گفته می‌شود. شعر در قرن هشتم گفته می‌شود اما امروز ما در سده پانزدهم و هزاره سوم خواننده پنهانی هستیم که روح حافظ هم خبر ندارد. گره در روایت در فارسی این است که این مطلب اینجا چه می‌کند در آثار هنرمندان و شاعران ممتاز و صاحب سبک به مواردی می‌رسید که علامت سوال و ابهام برای شما پیش می‌آید که این، اینجا چه می‌کند. خاقانی شاعر مداح حضرت محمد(ص) و شاعر مکه و مدینه است و باید پرسید ایوان مدائن در شعر او چه می‌کند. این می‌شود یک گره.

نویسندگان پنهان ابن‌سینا چه کسانی هستند؟

ناصر خسرو این همه شعرهای اخلاقی و فلسفی و پند دارد شعر «حاجیان آمدند با تعظیم او» چیز دیگری است. این گره باعث می‌شود گاهی می‌گویند این نمونه شعر منسوب به فلانی است و برخی این را قبول ندارند. سعدی قصیده‌ای دارد بسیار پندآموز که دانش سبک‌شناسی و روایت به ما می‌گوید این برای سعدی است. اما این‌که برده‌اند آن را در الحاقیه یا به این دلیل است که نسخه‌ها معتبر نبوده و مصحح به جبر قواعد تصحیح این کار را کرده است یا کسی این را به جای شیخ اجل گفته که بسیار مهارت داشته است و می‌بینیم اصل و کپی تفاوتی ندارد.

روزی که زیر خاک تن ما نهان شود و آن‌ها که کرده‌ایم یکایک عیان شود

بسیاری می‌گویند این شعر برای سعدی نیست اما نشانه‌ها نشان می‌دهد یا برای سعدی است یا کسی که عین آن را تکرار و ارائه کرده است. این گره در روایت می‌شود.

اگر دیوان محتشم کاشانی را ببینید پر از قصاید مدحی است برای آدم‌های مختلف و همچنین پر از ماده تاریخ، قطعات تاریخی و مسایل اجتماعی است. پس ۱۲ بند عاشورایی محتشم اینجا چه می‌کند این می‌شود گره در روایت. باید ببینیم چه نویسندگان پنهانی محتشم را متقاعد کردند که در کنار آن همه شعرهای درباری بگوید «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» همین گره در روایت می‌شود تافته جدا بافته.

در آثار بزرگان این اتفاق افتاده است و در کنار کتاب‌های قانون و شفا و آثار ممتاز این فارسی‌نویسی او باید گرهی در روایت باشد و باید این گره را باز کنیم و ببینیم که نویسندگان پنهان و خوانندگان پنهان ابن سینا چه کسانی هستند؟ در قدیم خلاف امروزه نویسنده و محقق در آغاز کاری که می‌نوشت، می‌گفته می‌خواهم چکار کنم. مثلاً می‌گفته ممدوح از من خواسته که این کتاب را بنویسم و در مقدمه بوستان و گلستان و کلیله و دمنه و دانشنامه علایی این مساله وجود دارد و در تاریخ بیهقی می‌گوید فصلی خواهم نوشت در ذکر حال بر دار کردن این مرد (حسنک وزیر).

زبان فارسی ققنوس‌وار از خاکسترش شکل گرفت و برآمد

ابن سینا هدف خود را از نگارش این کتاب فارسی به نوعی افشا کرده و اشاعه داده است. نویسندگان پنهان می‌توانند تمام دوستداران فرهنگ و ادبیات و هنر و زبان فارسی باشند. ابن سینا به گونه‌ای آرزوی آن‌ها را برآورده کرده است. نهضت اخوان‌الصفاء و شعوبیه و کسانی که حتی نویسندگان پنهان شاهنامه هم به حساب می‌آیند یعنی فردوسی در مسیر حرکتی کرده که جریان‌های ملی‌گرایی ایرانی که به قصد مبارزه با سیطره غیراسلامی و نژادپرستانه تازیان کارهایی می‌کردند از فردوسی دل خوشی دارند و به فردوسی دست مریزاد گفتند که چنین اثری از خود به جای گذاشته است.

خوانندگان پنهان این آثار به زبان فارسی نگاشته شده چه کسانی هستند؟ ممکن است کسانی فحوا و محتوای این اثر فارسی را درک نکنند. چند اتفاقی که در گسترش زبان فارسی در قرن سوم به بعد داشتیم ممدوح از زبان علمی و معیار علمی (زبان عربی) چیزی نمی‌داند. محمد بن وصیف وقتی شعر تازی گفت به او نگفتند که این‌ها که گفتی مرا چیزی که در نمی‌یابم نمی‌باید شروع کرد به فارسی گفتن. مگر تفسیر طبری جامع‌البیان فی تفسیر القرآن به زبان عربی نبود که امیر سامانی گفت من می‌خواهم معنی کلمات و مفاهیم و تعبیرات خداوند را بشناسم و ترجمه تفسیر طبری ارائه شد.

علاءالدوله بویه هم می‌گوید از این حکمت و فلسفه به این زبان رایج علمی آن روزگار یعنی زبان عربی چیزی متوجه نمی‌شوم و ابن سینا موظف می‌شود که این کار را انجام دهد. متن، متن سنگینی است و امتیاز سیاسی است کاری که ابن سینا انجام داده است. متأسفانه در این دوره از قرن دوم به بعد نسبتی بین ایران و نزدیک شدن ایرانی‌ها به فرهنگ و زبان عربی است. تناسبی که بین ایران و فرهنگ عربی بسته می‌شود تکلیف‌ها را مشخص می‌کرده است. اگر کسی که بخواهد تفاوت‌های عرفان بغداد با خراسان را فهرست کند به حرف‌های قابل احترامی خواهد رسید که فرهنگ ایرانی در بدترین حالات و آفات باز توانسته است خود را بازیابی کند و به مسیر خودش ادامه دهد. کسی فکر نمی‌کرد با این سیطره‌ای که زبان عربی و فرهنگ عربی در ایران داشته زبان فارسی این‌گونه ققنوس‌وار دوباره از خاکستری که شکل گرفته برآید. خوانندگان پنهان آثار فارسی از جمله آثار ابن سینا خودباختگانی هستند که به فرهنگ و خلافت عربی و عباسی نزدیک می‌شوند و این بحث بسیار مهمی است.

ابن سینا در مقابل مفاهیم وارداتی یونانی عقب‌نشینی نکرد

بحث دیگر متحیران فرهنگ یونانی و فلسفه یونانی هستند که یک بخش آن وارداتی است و دلیل نمی‌شود که ما چشم و گوش بسته بنشینیم و متحیرانه آن را تماشا کنیم و انگشت حیرت به دهان بگیریم و ببینیم که قابلیت‌ها، ظرافت‌ها و ظرفیت‌هایی که زبان فارسی دارد و یک خواننده پنهان دیگر که این مباحث ترک‌نژادان خراسان هستند

کسانی که آمدند و سبکتکین‌ها و محمود غزنوی‌ها در راس آن قرار داشت. ابن‌سینا تحت تعقیب بود و جرم بزرگی که داشت این بود که به استعمار سلطان محمد غزنوی بله نگفته بود مثل فردوسی که شش ماه متواری بود.

روشن است آثار فارسی مثل ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، آثار فارسی ابن‌سینا و ناصر خسرو خیلی جایگاه و پایگاه بسیار مهمی دارد. ما در داروشناسی الالبیه در جغرافی حدودالعالم، کتاب حماسی مقدمه شاهنامه ابومنصوری را داریم اما در زمینه حکمت و فلسفه کاری انجام نشده است. بزرگترین هنر ابن‌سینا این است که یک جایگاه و ظرفیت به کارکردهای زبان فارسی می‌افزاید و در باب حکمت و فلسفه نیز همین‌طور.

ابن‌سینا راه را برای وجه دین و جامع‌الحکمتین ناصر خسرو و سهروردی و غزالی باز می‌کند. کاری که ابن‌سینا انجام می‌دهد در حوزه سبک‌شناسی نثر این است که ظرفیت قابل تاویل برای ما به وجود می‌آورد. در مقابل مفاهیم وارداتی یونانی عقب‌نشینی نکرد و هم در مقابل زبان ترک‌نژادانی که در خراسان بودند.

بن‌مایه واژه‌سازی ابن‌سینا به دوره ساسانیان برمی‌گردد

واژه‌سازی و کوتاهی جمله‌ها بخشی از آن قابل توجه است و بخشی برمی‌گردد به دوره ساسانی و واژه‌سازی ابن‌سینا بخشی در مفاهیم و کتب علمی و آثار فرهنگی دوره ساسانی قبل از اسلام هم وجود دارد و بسیاری از آن‌ها را در تاخت و تازها از دست دادیم و شاید برگ‌هایی از آن آثار به دست ما رسیده اما از نظر زبان‌شناسی و ساختار کاری که ابن‌سینا انجام داده است متوجه می‌شویم یک نوع بازگشت و رجعت و تجدید دوره‌ای است که نسبت به زبان و فرهنگ ساسانی و پهلوی قبل از اسلام اتفاق می‌افتد و این را ابن‌سینا هوشمندانه دنبال کرده است. کاری که استاد معین کرد این بود که مقاله واژه‌سازی و ترکیب‌سازی در هزاره ابن‌سینا را مطرح کرده و در مقدمه لغت‌نامه دهخدا آمده و دیگر زبان‌شناسان نیز به آن پرداخته‌اند. بن‌مایه این کار ابن‌سینا به دوره ساسانیان برمی‌گردد. اگر ابن‌سینا دوره تاریخی زبان فارسی را مطالعه کرده باشد و بر اساس ابتکار شخصی خود از بن‌مایه‌ها و مصدرهای زبانی استفاده کرده باشد نتیجه این است که با این کار ابن‌سینا فرهنگ و ساخت دستوری زبان فارسی احیا می‌شود و کمک بزرگی می‌کند به راه افتادن جنبش فکری که حول محور زبان فارسی اتفاق می‌افتد.

فارسی‌نویسی ابن‌سینا در دو کتاب بسیار مهم او چه اهدافی دنبال می‌کند؟ اولین هدف سیاسی است. تقابل فکری و سیاسی غزنویان با آل بویه قابل کتمان نیست. در کتاب‌های تاریخ ادبی ما و تاریخ بیهقی و تاخت و تاز محمود به ری و کشتاری که در ری دارد و فرزندش امیرمسعود به جا می‌نهد و تعقیب و گریز و کج‌دارمریزی که با آل بویه دارد معنی‌دار است. آل بویه ایرانی است و در ری مرکز زبان فارسی قدیم آن روزگار را دارند. ری بین بغداد و خراسان است. درست است که آل بویه مقاطی برای اینکه سلطان محمود غزنوی و غزنوی‌ها را سر جا بنشانند و از میدان رقابت سیاسی به‌در کند با بغداد هم مکاتبه دارد. آل بویه در ری و در مرکز ایران است و نمی‌خواهد از این طرف روی به عباسیان داشته باشد. سپس بحث فرهنگ و زبان عربی است. بحث فرهنگی و تقابل با عربی‌نویسی خراسان مساله مهمی است. اگر ابن‌سینا در خراسان مانده بود و همین کتاب فارسی را نوشته بود به قول بیهقی کار از لون دیگری بود. امروز در باب فارسی‌نویسی ابوریحان بیرونی یک تعبیری داریم و در زیر سایه سلطان محمود غزنوی و در باب فارسی‌نویسی ابن‌سینا در مقابل غزنویان یک تعبیر دیگری داریم. تعادل‌بخشی بسیار مهم است ابن‌سینا آثار عربی و آثار فارسی دارد. کمیت این دو موضوع مهم نیست اما کیفیت آن مهم است کاری که ابن‌سینا در حوزه زبان فارسی انجام داده انصافاً به ارتقا فرهنگ ایرانی و زبان فارسی کمک کرده است.

بحث دیگر مساله علمی مآجرا است. آنچه ما از یونان داریم وارداتی محسوب می‌شود و در نهضت ترجمه دوره مامون و بیت‌الحکمه وارد جهان اسلام شده است و به دست کسانی چون فارابی و ابن‌سینا رسیده است. ابن‌سینا نهضت علمی را دنبال کرد که هم در ذیل آرای ارسطو مثل فارابی، ابن‌سینا هم آن قلیت‌هایی دارد. او در دانشنامه علایی بحث الهیات را در اول می‌آورد و خلاف جریان رایج حرکت می‌کند و می‌گوید همه جا از طبیعیات شروع می‌کنند اما من می‌خواهم حرف آخر را اول بزنم و کار تازه می‌کند. خود این خلاف جریان حرکت کردن پیام دارد و حرکت معنی‌داری است.

نکته دیگر نمود بخشیدن به ظرفیت زبان فارسی است. اگر فرهنگ و فهرستی از واژگان ناصر خسرو و ابن‌سینا داشته باشید می‌بینید که چقدر امروز جای این‌ها در زبان معیار ما خالی است. واژگانی مانند اندر رسیدن، گرویدن، چندی، چونی، نهاد، جنبش، تنومند، اندریابی، ایستاده به خود، بستناکی و ...

زبان فارسی عاجز و ابتر و الکن نیست ما نتوانستیم به عنوان کاربران زبان فارسی این کار را دنبال کنیم. ابن‌سینا هم در این زمینه مقدم است و جزو عهد اوایل است درست است که زبان فارسی را و آثار نثر فارسی را مبتکر نیست از نظر زمانی اما کاری که ابن‌سینا در این زمینه انجام داده است در رساله رگ‌شناسی بحث‌های هنرمندانه و ذوقی انجام داده است. نشان می‌دهد که ابن‌سینا به ظرفیت زبان فارسی توجه داشته و کار را به خوبی دنبال کرده است. بر اساس آنچه از کارنامه ابن‌سینا به دست ما رسیده است وقتی این آثار و قلم فارسی ابن‌سینا را در کنار کارنامه پر برگ و بار فرهنگ ایرانی و زبان فارسی از دوره سامانی قرار می‌دهیم می‌بینیم که ابن‌سینا خدمت بزرگی به فرهنگ ایرانی کرده است. ابوریحان بیرونی درست است که نزد سلطان محمود بوده اما از کسانی است که از محمود به عنوان محمل پیشرفت کارکردهای فرهنگی خودش استفاده می‌کرده است. ابوریحان هم که کنار غزنوی‌ها بوده باز حواسش بوده که حرمت علمی و استقلال علمی و توجه به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را دنبال کند و ابن‌سینا هر چه بهتر با دور شدن از خراسان و گریختن از غزنویان و آمدن به جایگاهی که از نظر فرهنگی نژادی و مذهبی با آن‌ها فرق می‌کند کار خویش را به سامان رسانیده است.

